

بارم	متن سؤال	ردیف																					
۳	<p>نوشته ی زیر را بخوانید و به موارد خواسته شده در جدول مربوط به آن پاسخ دهید:</p> <p>« سه روز طول کشید تا عاقبت با یکی از آن کلیدها قفل پای در پلکان مسجد را باز کردیم. بعد از ظهری بود و هوا آفتابی بود و باریکه ی یخ سرسره مان روزها هم آب نمی شد و بچه ها سرشان گرم بود و ما روی بام مسجد که رسیدیم، تازه بچه ها دیدن مان و شروع کردند به هو کردن و سوزهم می آمد که ما تپیدیم توی راه پله ی گلدسته . اصغر، ریزه تر بود و افتاد جلو و من از عقب . زیر پامان چیزی خرد می شد و ریزریز صدا می کرد . به نظرم فضله ی کفتر بود که بوی تندش در هوای بسته ی پلکان نفس را می برید. اول تند و تند می رفتیم بالا؛ اما پله ها گرد بود و پیچ می خورد و باریک می شد و نمی شد تند رفت . نفس نفس هم که افتاده بودیم؛ اما از تک و توک سوراخ های گلدسته هوار بچه ها را می شنیدیم و از یکی شان که رو به مدرسه بود، یک جفت کفتر پریدند بیرون و ما ایستادیم به تماشا تا خستگی پاهامان در برود . همه شان جمع شده بودند وسط حیاط و گلدسته را نشان هم دیگر می دادند . خستگی مان که در رفت دوباره راه افتادیم به بالا رفتن . اصغر نفس زنان و همان جور که بالا می رفت گفت : «زکی! نکنه خراب بشه؟» گفتم : «برو بابا تو که هیچی سرت نمی شه . مگر تیر به این کلفتی رو وسطش نمی بینی؟ اما سرش به بالای گلدسته که رسید ایستاد . هنوز سه تا پله باقی داشتیم؛ اما ایستاده بود و هن هن می کرد و آفتاب افتاده بود به سرش . »</p> <p>گل دسته ها و فلک اثر جلال آل احمد</p>	۱																					
۱۱	<p>انشای اصلی *</p> <p>یکی از موضوعات زیر را انتخاب نموده و بر اساس طرح داده شده در جدول زیر، متنی بنویسید. (ده یا در نهایت دوازده خط در برگه ی سفید) (به سنجه های ارزیابی توجه نمایید)</p> <p>الف) چهره ی خندان مادر بزرگ ب) سفری دلپذیر که آن را همیشه در یاد دارم..</p> <div style="display: flex; align-items: center;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-right: 10px;"> <p>آغاز جذاب</p> <p>فضا سازی (زمان و مکان)</p> <p>حال و هوا</p> <p>توصیف جزئیات</p> <p>پایان تأثیرگذار</p> </div> <div style="margin-right: 10px;"> <p>بند مقدمه</p> <p>بندهای بدنه</p> <p>بند جمع بندی</p> </div> <table border="1" style="border-collapse: collapse; text-align: center;"> <thead> <tr> <th>ردیف</th> <th>سنجه های ارزیابی</th> <th>نمره</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱</td> <td>وصف زمان و مکان</td> <td>۳</td> </tr> <tr> <td>۲</td> <td>وصف حال و هوا و فضا</td> <td>۲</td> </tr> <tr> <td>۳</td> <td>انسجام نوشته</td> <td>۲</td> </tr> <tr> <td>۴</td> <td>ویرایش: - پرهیز از نوشتن جمله های طولانی - رعایت املا و نکات نگارشی</td> <td>۲</td> </tr> <tr> <td>۵</td> <td>شیوه درست نویسی</td> <td>۲</td> </tr> <tr> <td>جمع</td> <td></td> <td>۱۱</td> </tr> </tbody> </table> </div>	ردیف	سنجه های ارزیابی	نمره	۱	وصف زمان و مکان	۳	۲	وصف حال و هوا و فضا	۲	۳	انسجام نوشته	۲	۴	ویرایش: - پرهیز از نوشتن جمله های طولانی - رعایت املا و نکات نگارشی	۲	۵	شیوه درست نویسی	۲	جمع		۱۱	۲
ردیف	سنجه های ارزیابی	نمره																					
۱	وصف زمان و مکان	۳																					
۲	وصف حال و هوا و فضا	۲																					
۳	انسجام نوشته	۲																					
۴	ویرایش: - پرهیز از نوشتن جمله های طولانی - رعایت املا و نکات نگارشی	۲																					
۵	شیوه درست نویسی	۲																					
جمع		۱۱																					

۲	<p>شعر زیر را بخوانید و برداشت خود را از آن در یک بند بنویسید. در هر نفسی که می تپی ای دل من یادت نرود اجازه از عشق بگیر</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>	۳
۲	<p>یکی از مثل‌های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.</p> <p>۱- بار کج به منزل نمی‌رسد.</p> <p>۲- به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می‌آید.</p> <p>۳- از کوزه همان برون تراود که در اوست.</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>	۴
۲	<p>حکایت زیر را به زبان ساده بازنویسی کنید:</p> <p>« موری را دیدند به زورمندی کمر بسته، و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: "این مور را ببینید که با این ناتوانی باری به این گرانی چون می کشد؟" مور چون این سخن بشنید بخندید و گفت: "مردان، بار را با نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن و ضخامت بدن»</p> <p>بهارستان جامی</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p> <p>.....</p>	۵

موضوع انشا :

موفق باشید

موفق باشید